



Research Paper

The impact of the role of the military in foreign policy governance: A comparative study of Iran and the United States



*Hananeh Darashti¹

1. Assistant Professor of Political Science and Faculty Member, Islamic Azad University and Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Darashti, H. (2026). [The impact of the role of the military in foreign policy governance: A comparative study of Iran and the United States (Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 03(09), 4-22. <https://doi.org/10.22034/jokog.2025.521389.1090>



<https://doi.org/10.22034/jokog.2025.521389.1090>



Received: 05 May 2025

Revised: 30 Jul 2025

Accepted: 01 Oct 2025

Available Online: 19 Mar 2026

Keywords:

Military role, foreign policy, governance, Iran, United States, civil-military relations, comparative analysis

ABSTRACT

The role of the military in foreign policy governance has long been a subject of significant scholarly attention, as it profoundly influences a country's international interactions and domestic political dynamics. This paper aims to analyze and compare the impact of military actors on foreign policy governance in two distinct systems: Iran and the United States. Employing a comparative methodology, the study explores structural, historical, and political dimensions that shape the involvement of military institutions in shaping foreign policy decisions. While Iran's foreign policy governance often reflects the influence of ideological and revolutionary frameworks combined with military presence, the United States demonstrates a more institutionalized civil-military balance, though military influence remains pronounced in strategic policymaking.

The findings reveal both similarities and fundamental differences in the extent and nature of military intervention in foreign policy in the two countries. Iran's military role is deeply embedded within the framework of its revolutionary goals and regional security concerns, whereas the United States leverages its military primarily for maintaining global dominance and strategic alliances. This research highlights the implications of such military involvement, including its impact on governance efficacy, international perception, and regional security. The study concludes with recommendations aimed at enhancing civil-military balance in foreign policy governance, particularly within contexts similar to Iran.

* Corresponding Author:

Hananeh Darashti

Address: Islamic Azad University and Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran

E-mail: Dr.hanadarashti@gmail.com



مقاله پژوهشی

تأثیر نقش نظامی ها در حکمرانی سیاست خارجی: مطالعه مقایسه‌ای ایران و آمریکا

* خانانه درشتی^۱

۱. استادیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی در دو کشور ایران و آمریکا می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، تحلیل و مقایسه میزان تأثیرگذاری نظامیان بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دیپلماتیک در این دو کشور است که در دو نظام حکومتی متفاوت عمل می‌کنند. در حالی که در ایران نظامیان نقش پررنگی در سیاست داخلی و خارجی ایفا می‌کنند، در آمریکا نیز روابط نزدیک میان مقامات نظامی و سیاسی به‌ویژه در عرصه‌های بین‌المللی تأثیرات چشمگیری دارد. این مطالعه از رویکرد مقایسه‌ای استفاده کرده و تلاش دارد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختار حکومتی و نظامی در هر دو کشور را بررسی کند. در بخش تحلیل، به بررسی نقش شخصیت‌های کلیدی نظامی در تعیین سیاست‌های خارجی و چگونگی تعامل آنان با مقامات سیاسی پرداخته خواهد شد. همچنین، عوامل مختلفی نظیر تاریخچه نظامی‌گری در هر کشور، شرایط امنیتی و ژئوپلیتیکی، و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی نیز در این تحلیل گنجانده می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در حالی که در ایران، نظامیان با توجه به موقعیت‌های خاص سیاسی و مذهبی نقش پررنگی در سیاست خارجی دارند، در آمریکا، اگرچه نظامیان در روند تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی دخیل هستند، اما در چارچوب نظام دموکراتیک، سیاست خارجی بیشتر تحت تأثیر نهادهای غیرنظامی قرار دارد. این تحقیق نتایج مهمی برای درک بهتر تعاملات نظامی و سیاست خارجی در دو نظام حکومتی متفاوت دارد و می‌تواند در زمینه‌های سیاسی و نظامی به‌ویژه در مطالعات روابط بین‌الملل و امنیت کاربردی باشد.

تاریخ دریافت: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۰۸ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۹ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

نقش نظامیان،
حکمرانی سیاست
خارجی، سیاست
خارجی ایران، سیاست
خارجی آمریکا

* نویسنده مسئول:

خانانه درشتی

نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی و علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

رایانامه: Dr.hanadarashti@gmail.com



مقدمه

دیگر، ایالات متحده آمریکا، با وجود تفکیک قدرت و نهادهای مدنی متعددی که به‌طور رسمی مسئول سیاست خارجی هستند، نیروهای نظامی نیز در بحران‌های بین‌المللی و مسائل امنیتی نقش پررنگی ایفا می‌کنند. روابط نزدیک میان مقامات سیاسی و نظامی در آمریکا، به‌ویژه در دوره‌های بحران، موجب می‌شود که نظامیان در سیاست خارجی تأثیرگذار باشند. (Fiore, 1996, p. 115). این تحقیق در پی بررسی و تحلیل نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی در دو کشور ایران و آمریکا است. این موضوع از آن‌جا اهمیت می‌یابد که ساختارهای حکومتی، تاریخچه نظامی‌گری، و اولویت‌های امنیتی در این دو کشور به‌طور چشم‌گیری متفاوت است. ایران با ویژگی‌های خاص سیاسی و فرهنگی خود، به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی، نیروهای نظامی را به‌عنوان بخش عمده‌ای از فرآیند تصمیم‌گیری‌های خارجی به‌کار می‌گیرد. در مقابل، ایالات متحده به‌عنوان یک کشور دموکراتیک با نهادهای حکومتی مختلف، به‌ویژه وزارت خارجه و کنگره، نقش کمتری برای نیروهای نظامی در عرصه سیاست خارجی قائل است، با این حال، تأثیر آن‌ها در مسائل امنیتی و بحران‌های جهانی قابل توجه است. (Fiore, 1996, p. 115).

سوالی که در این مقاله به‌دنبال پاسخ به آن هستیم این است که چگونه نظامیان در دو کشور ایران و آمریکا، با وجود تفاوت‌های عمده در ساختار حکومتی و ژئوپلیتیکی، بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند؟ این تحقیق به‌ویژه به مقایسه این دو کشور در زمینه تأثیر نظامیان بر سیاست خارجی پرداخته و به دنبال شناسایی عواملی است که موجب تفاوت در نقش‌آفرینی نظامیان در این دو کشور می‌شود. تحلیل این موضوع می‌تواند به‌طور

نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی یکی از مباحث اساسی در تحلیل سیاست‌های داخلی و بین‌المللی کشورها است. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه آن‌هایی که دارای ساختارهای حکومتی خاص هستند، نیروهای نظامی تأثیرات قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی دارند. این تأثیرات می‌تواند در عرصه‌های مختلفی از جمله تعیین اولویت‌های امنیتی، روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر و حتی استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی بروز یابد. در این میان، ایران و ایالات متحده آمریکا دو کشور با ویژگی‌های حکومتی و سیاسی متفاوت هستند که نقش نظامیان در سیاست خارجی آن‌ها موضوعی پیچیده و جالب توجه به‌شمار می‌آید. در ایران، پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۹، نیروهای نظامی، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش برجسته‌ای در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور ایفا کرده‌اند. سپاه پاسداران علاوه بر ایفای نقش‌های امنیتی، در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، به‌ویژه در زمینه روابط خارجی، حضور فعالی دارد، در جمهوری اسلامی ایران، نیز مانند سایر کشورهای مردم سالار، فرماندهی عالی و هدایت نیروهای مسلح در دست سیاستمداران غیر نظامی است، اما این به معنای عدم تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی نیست. نیروهای مسلح به‌ویژه سپاه پاسداران، به‌دلیل سه‌گانه فلسفه وجودی و اهداف خود، یعنی تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، اهداف جمهوری اسلامی و مقابله با تهدیدات در پیرامون کشور، نقش بارزی در سیاست خارجی ایفا می‌کنند. (Dehghani Firouzabadi, 2015, p. 290) از سوی

سیاست خارجی ایران انجام شده است. رضا پور و مجیدی در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش دیپلماسی نظامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به بررسی سیاست‌های نظامی اتحاد شده از سوی ایران در قبال شکل نوینی از دیپلماسی به نام دیپلماسی نظامی و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران است. می‌پردازند. و نتایج حاکی از آن است که با توجه به اینکه دیپلماسی نظامی، شیوه نوین ارائه توان نظامی برای پرهیز از درگیری، افزایش بازدارندگی و ابزاری در دست کارگزاران سیاست خارجی دولت‌ها به منظور افزایش قدرت چانه زنی و توانمندسازی آن است، اتخاذ چنین رویکردی از سوی جمهوری اسلامی ایران، سبب افزایش توانمندی این کشور در پیگیری اهداف سیاست خارجی و پیرو آن، افزایش قدرت-امنیت و نقش آن در عرصه تحولات منطقه‌ای می‌شود. (Reza Pour, Majidi, 2021, p. 94)

دامی و همکارانش در تحقیقی تحت عنوان دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران عنوان داشته‌اند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در سال‌های اخیر توانسته است خود را به یکی از بازیگران اصلی در عرصه دیپلماسی و بالاخص دیپلماسی عمومی تبدیل نماید. سپاه پاسداران از مهم‌ترین بازوهای نظامی و سیاسی ایران در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای است و می‌تواند در زمینه دیپلماسی عمومی و نشان دادن ایران در قلب‌ها و افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای خودنمایی کند. در حقیقت این سازمان، در عین فعالیت در حوزه دفاعی و نظامی به منظور دفاع از تمامیت ارضی کشور، پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی را در هر حوزه (اقتصادی، فرهنگی و ...) وظیفه خود می‌داند. بنابراین در حوزه

قابل توجهی درک ما را از تعاملات بین‌المللی و نحوه شکل‌گیری سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای در دو کشور مهم جهان امروز افزایش دهد. این تحقیق از روش مقایسه‌ای برای بررسی نحوه تأثیرگذاری نظامیان در سیاست خارجی ایران و آمریکا استفاده خواهد کرد. از این‌رو، نتایج این تحقیق می‌تواند به تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران کمک کند تا درک بهتری از چگونگی تأثیرگذاری نظامیان در سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی به‌دست آورند.

در ادامه به بررسی و مرور ادبیات و تحقیقات قبلی در خصوص نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی پرداخته می‌شود. هدف این بخش، شناسایی و تحلیل آثار و مقالات منتشر شده در این زمینه است که می‌توانند مبنای علمی و نظری مقاله حاضر قرار گیرند. در این راستا، دو محور اصلی را می‌توان مد نظر قرار داد: اول، بررسی مطالعات صورت گرفته در زمینه تأثیر نظامیان در سیاست خارجی و دوم، مدل‌ها و نظریه‌هایی که به تحلیل رابطه بین نیروهای نظامی و سیاست‌های خارجی پرداخته‌اند.

یکی از مهم‌ترین تحقیقات در این زمینه، تحلیل‌های گئورگ کلوس و ریچارد هاس است که بر روی روابط میان ارتش و سیاست‌های خارجی در کشورهای مختلف متمرکز شده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نظامیان نه تنها در زمینه دفاعی و امنیتی بلکه در تصمیم‌گیری‌های کلان خارجی کشورها نیز دخیل هستند در این راستا، آثار فیور و پوزن نیز به بررسی روابط میان سیاست‌مداران و مقامات نظامی در ایالات متحده و کشورهای دیگر پرداخته است و تأثیراتی که این روابط بر سیاست‌های بین‌المللی دارد را تحلیل کرده است. (Kissinger, 1994, p. 58).

در مطالعه ایران، تحقیقات مختلفی بر روی نحوه نقش‌آفرینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در



دارند. یکی از نظریه‌های مهم در این زمینه، نظریه «سیاست خارجی به‌عنوان بازی قدرت» است که به تحلیل تعاملات میان نهادهای دولتی، از جمله نیروهای نظامی و مقامات سیاسی، می‌پردازد. طبق این نظریه، سیاست خارجی به‌ویژه در زمان بحران، به‌عنوان عرصه‌ای برای رقابت و همکاری میان نهادهای مختلف کشورها دیده می‌شود. در ایالات متحده، این تعاملات به‌ویژه در زمان بحران‌های جهانی و امنیتی به‌طور برجسته‌تری ظاهر می‌شود، به‌گونه‌ای که مقامات نظامی به‌عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی وارد عمل می‌شوند. نظریه دیگری که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، نظریه «نظارت و کنترل» است. این نظریه به‌ویژه در بررسی ساختارهای دموکراتیک همچون ایالات متحده اهمیت دارد. طبق این نظریه، مقامات سیاسی در تلاشند تا مقامات نظامی را تحت کنترل خود قرار دهند و مانع از آن شوند که تصمیمات نظامی بر سیاست خارجی کشور تسلط یابند. با این حال، در مواقعی که تهدیدات امنیتی و بحران‌های بین‌المللی شدت می‌گیرد، این کنترل ممکن است به‌طور موقت کاهش یابد و نظامیان نقش برجسته‌تری در سیاست خارجی ایفا کنند. (Fiore, 1996: 119).

در مقابل، در ایران، مفهومی به‌نام «نظامی‌گری سیاسی» وجود دارد که از پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به‌طور ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در این چارچوب، نیروهای نظامی به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه‌تنها به‌عنوان نیروی امنیتی، بلکه به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار در تصمیمات کلان سیاسی و خارجی کشور عمل می‌کنند. این مفهوم، که تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های خارجی ایران دارد، به‌شدت با مقوله «حکمرانی» پیوند خورده

دیپلماسی عمومی حضور قاطع یافته و تلاش دارد بازیگری مؤثر در این زمینه باشد.

از سوی دیگر، در ایالات متحده، مطالعات مشابهی در خصوص تأثیر نظامیان بر سیاست خارجی وجود دارد. به‌ویژه در دوران بحران‌های جهانی مانند جنگ‌های عراق و افغانستان، نقش ارتش و مقامات نظامی در طراحی سیاست‌های خارجی ایالات متحده پررنگ‌تر شده است (Fiore, 1996, p. 116). نظریه‌پردازان مختلف، همچون کیسر و فریدمن، به نقش استراتژیک ارتش در تصمیمات سیاسی آمریکا پرداخته‌اند و ارتباط تنگاتنگ میان مقامات نظامی و سیاسی را عامل اصلی در شکل‌گیری سیاست‌های خارجی این کشور دانسته‌اند (Friedman, 2007, p. 98). بنابراین، در حالی که تحقیقات متعددی در خصوص نقش نظامیان در سیاست خارجی وجود دارد، این تحقیق به‌طور خاص به مقایسه این نقش‌ها در ایران و ایالات متحده می‌پردازد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را شفاف‌سازی کند. پژوهش‌های موجود تا حد زیادی به بررسی تک‌بعدی این مقوله پرداخته‌اند، و کمتر به‌طور هم‌زمان به تحلیل تطبیقی دو کشور با ویژگی‌های سیاسی متفاوت پرداخته‌اند.

چارچوب نظری

برای تحلیل تأثیر نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی ایران و آمریکا، این مقاله بر اساس چند نظریه کلیدی در روابط بین‌الملل و سیاست داخلی بنا شده است. در ابتدا، نظریه‌های مختلف در زمینه روابط مدنی-نظامی و تعامل آن‌ها در سیاست خارجی بررسی خواهند شد. این نظریه‌ها به‌ویژه در کشورهای با ویژگی‌های خاص حکومتی، همچون ایران و ایالات متحده، نقش اساسی در تبیین نحوه شکل‌گیری و تأثیر سیاست‌های خارجی

خارجی یک کشور برای حفظ و ارتقای منافع ملی آن کشور در برقراری رابط دو جانبه و چند جانبه با سایر کشورها تدوین می‌شود این انعکاس مستقیم ارزش‌های سنتی یک کشور و سیاست‌های کلی ملی، آرمان‌ها و ادراک او از خود است. (Seifinejad, 2024, p. 41)

۳. نقش نظامیان: نقش نظامیان به تأثیر نیروهای مسلح و مقامات نظامی در فرآیندهای سیاست‌گذاری داخلی و خارجی کشورها اطلاق می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه در دوران بحران‌ها و جنگ‌ها، نظامیان به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های کلان شناخته می‌شوند. این نقش‌ها می‌تواند شامل مشاوره به مقامات سیاسی، هدایت عملیات‌های نظامی و یا حتی به‌طور غیررسمی و در پشت‌صحنه، شکل‌دهی به سیاست‌های کلان خارجی باشد.

در ایالات متحده، ارتش نه تنها در مدیریت بحران‌های جهانی مانند جنگ‌ها نقش‌آفرینی می‌کند، بلکه در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی از طریق روابط نزدیک میان مقامات سیاسی و نظامی نیز تأثیرگذار است. به‌ویژه در دوران‌های جنگ، این نقش‌ها بسیار برجسته‌تر می‌شود (Mearsheimer, 2001, p. 144). در ایران، سیاست خارجی تحت تأثیر هم‌زمان مقامات سیاسی و نظامی قرار دارد. سپاه پاسداران، وظیفه حفاظت از انقلاب اسلامی را در درون و برون مرزها بر عهده دارد. آمیزش نقش سیاسی و مذهبی سپاه پاسداران سویی ذات ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی است عرصه دیپلماسی نظامی سپاه پاسداران را می‌توان بازوی اجرایی سیاست خارجی دانست. (Mohseni Azhieh, Attar, 2021, p. 138)

است. به این معنا که نظامیان در ایران نه تنها در تأمین امنیت، بلکه در تعیین استراتژی‌های دیپلماتیک و روابط خارجی کشور نیز مؤثرند. همچنین، در زمینه نقش نظامیان در سیاست خارجی، نظریه «تأثیر نهادها» نیز اهمیت دارد. طبق این نظریه، نهادهای خاص می‌توانند بر سیاست‌های خارجی کشور تأثیر بگذارند، حتی در شرایطی که ساختار حکومتی به‌طور کلی از آن‌ها حمایت نمی‌کند. در ایران، سپاه پاسداران و سایر نهادهای نظامی توانسته‌اند با نفوذ خود در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور، نقشی مؤثر و برجسته ایفا کنند. در ایالات متحده نیز، نهادهای نظامی در برخی مواقع به‌ویژه در دوران بحران، به‌طور غیررسمی بر سیاست‌های خارجی تأثیر گذاشته‌اند (Friedman, 2007, p. 110).

مفاهیم کلیدی

۱. حکمرانی: حکمرانی به فرآیندهای تصمیم‌گیری و مدیریت نهادهای دولتی و غیر دولتی در سطح کلان کشور اطلاق می‌شود که شامل تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر سیاست‌های عمومی است. در این زمینه، حکمرانی می‌تواند به‌طور خاص به تعاملات میان مقامات سیاسی و نظامی و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌های داخلی و خارجی اشاره داشته باشد. در کشورهای با نظام‌های خاص، مانند جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، این تعاملات و نحوه تقسیم قدرت می‌تواند بر چگونگی شکل‌گیری سیاست‌های کلان کشور تأثیرگذار باشد (Fukuyama, 2013, p. 56).

۲. سیاست خارجی: در بسیاری از پژوهش‌های روابط بین الملل، سیاست خارجی اصطلاح بدیهی است که در مجموع به عنوان روابط خارجی رسمی که توسط بازیگر مستقل معمولاً یک دولت در روابط بین الملل صورت می‌گیرد، تعریف می‌شود. سیاست



روش تحقیق

در این مقاله، از روش مطالعه مقایسه‌ای برای تحلیل نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی در ایران و ایالات متحده آمریکا استفاده می‌شود. داده‌ها از منابع مختلف شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، گزارش‌های دولتی و مصاحبه‌ها جمع‌آوری خواهند شد. تحلیل مقایسه‌ای به منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های نقش نظامیان در سیاست‌های خارجی دو کشور انجام می‌شود. در این راستا، عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی در هر دو کشور، از جمله ساختارهای حکومتی، تاریخچه نظامی و چالش‌های بین‌المللی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این تحقیق به منظور تحلیل دقیق و مستند نقش نظامیان در سیاست خارجی، از منابع معتبر فارسی و لاتین استفاده خواهد کرد.

نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران

نظامیان در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، نقشی بسیار پررنگ در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی کشور ایفا کرده‌اند. ساختار حکومتی ایران که مبتنی بر اصول انقلاب اسلامی است، جایگاه ویژه‌ای برای نهادهای نظامی، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در نظر گرفته است. سپاه که پس از انقلاب به‌عنوان نهادی نظامی و سیاسی تأسیس شد، علاوه بر وظایف نظامی، در بسیاری از حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نیز به‌طور فعال حضور دارد.

یکی از شاخص‌ترین مثال‌ها از تأثیر نظامیان بر سیاست خارجی ایران، مسئله برنامه هسته‌ای کشور است. در شرایطی که ایران با فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی روبرو بود، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای نظامی کشور، نقش اساسی در توسعه برنامه

هسته‌ای و دفاع از آن در برابر تهدیدات بین‌المللی ایفا کردند. چگونگی مواجهه با پرونده‌ی هسته‌ای ایران یکی از دغدغه‌های سیاست خارجی ایالات متحده است. (Esmaeili, Nouri, 2021, p. 260)

در عرصه سیاست خارجی منطقه‌ای، سپاه پاسداران و نهادهای نظامی ایران در بسیاری از تحولات خاورمیانه، به‌ویژه در عراق، سوریه، لبنان، یمن و دیگر کشورهای عربی نقش مستقیم داشته‌اند. ایران از طریق حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی، ایجاد شبکه‌های نفوذ و تأسیس گروه‌های مسلح همچون حزب‌الله لبنان، تلاش کرده که نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. این استراتژی منطقه‌ای، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، تحت هدایت مقامات نظامی به یک استراتژی پایدار تبدیل شده است. سیاست‌های منطقه‌ای ایران در این زمینه، اغلب از طریق هماهنگی بین مقامات نظامی و سیاسی طراحی و اجرا می‌شود. چرا که توسعه منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های توسعه همه‌جانبه و پایدار است و رسیدن به آن یکی از اهداف مهم توسعه است. (Kaidnejad et al., 2019, p. 5) در کل می‌توان این نقش در سه محور ذیل گنجاند:

تأمین امنیت ملی: اهداف و وظایفی که قانون اساسی برای نیروهای مسلح به‌ویژه سپاه پاسداران، تعیین و تعریف کرده است، متضمن و مستلزم مشارکت فعال آنها در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی است. کارکرد و وظیفه اصلی سپاه و ارتش تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به معنای عام کلمه است. اصول ۱۴۳ و ۱۵۰ قانون اساسی مسئولیت ارتش و سپاه پاسداران را پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن می‌داند. تأمین اهداف انقلاب اسلامی: کارکرد وظایف

نیروهای مسلح تنها به تامین اهداف و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محدود نمی‌شود. علاوه بر این، تلاش برای تحقق اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و آمانهای انقلاب اسلامی نیز از جمله وظایف دیگر آنان به شمار می‌آید. در مقدمه قانون اساسی این مسئولیت خطیر ارتش و سپاه پاسداران تحت عنوان ارتش مکتبی، این چنین تعریف شده است: نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. بدیهی است که اهمیت این وظیفه ایجاب می‌کند که ارتش و سپاه در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و دفاعی حضور فعال داشته باشند. این ضرورت نیز جایگاه و منزلت این دو نهاد نظامی را در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارتقا می‌بخشد. (Dehghani Firouzabadi, 2015, p. 292)

نقش نظامیان در سیاست خارجی آمریکا

نظامیان در سیاست خارجی ایالات متحده نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری دارند، به‌ویژه با توجه به قدرت و نفوذ بی‌نظیر نیروهای مسلح این کشور در سطح جهانی. ایالات متحده با داشتن یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان، به‌طور مداوم از ظرفیت‌های نظامی خود در راستای تأمین اهداف استراتژیک کشور استفاده کرده است. پنتاگون و دیگر نهادهای نظامی ایالات متحده همواره در تصمیم‌گیری‌های کلیدی سیاست خارجی کشور نقش دارند و توانایی تأثیرگذاری بر فرآیندهای دیپلماتیک و جنگی را دارا هستند. سیستم حکومتی آمریکا به‌گونه‌ای طراحی شده که نهادهای نظامی و سیاسی، به‌ویژه در دوران بحران‌ها و تهدیدات بین‌المللی، همکاری نزدیکی با یکدیگر دارند. وزارت دفاع ایالات متحده، نهادهای اطلاعاتی و کمیته‌های نظامی به‌طور مستقیم در

نیروهای مسلح تنها به تامین اهداف و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محدود نمی‌شود. علاوه بر این، تلاش برای تحقق اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و آمانهای انقلاب اسلامی نیز از جمله وظایف دیگر آنان به شمار می‌آید. در مقدمه قانون اساسی این مسئولیت خطیر ارتش و سپاه پاسداران تحت عنوان ارتش مکتبی، این چنین تعریف شده است: نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. بدیهی است که اهمیت این وظیفه ایجاب می‌کند که ارتش و سپاه در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و دفاعی حضور فعال داشته باشند. این ضرورت نیز جایگاه و منزلت این دو نهاد نظامی را در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارتقا می‌بخشد. (Dehghani Firouzabadi, 2015, p. 291)

سیاست خارجی امنیت محور: یکی دیگر از عواملی که باعث افزایش نقش و ارتقاء جایگاه ارتش و سپاه در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی شده است، امنیت محور شدن آن است. در اثر شکل‌گیری تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب، به کارگیری نیروهای مسلح برای دفاع از انقلاب و کشور ضرورت یافت. تحرکات و اقدامات تجزیه طلبانه در بعضی از استان‌های مرزی، به‌ویژه کردستان، کودتای نظامی هدایت شده از خارج و سپس تجاوز همه جانبه عراق به ایران، دفاع و امنیت را در صدر اهداف سیاست خارجی قرار داد. اولویت نخست سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مقابله با این تهدیدات و تامین امنیت و دفاع از موجودیت کشور بود. تحقق این هدف مستلزم حضور و مشارکت اجتناب ناپذیر



خاورمیانه، شرق آسیا و آمریکای لاتین به کار گرفته می‌شد (Bruce, 2006, p. 112).

در دوران پس از جنگ سرد، نظامیان ایالات متحده همچنان در بسیاری از عملیات نظامی و جنگ‌های جهانی دخالت مستقیم داشتند. جنگ‌های خلیج فارس، عراق و افغانستان از جمله نمونه‌هایی هستند که در آن‌ها تصمیمات کلیدی سیاست خارجی ایالات متحده به‌ویژه در زمینه استفاده از نیروی نظامی توسط مقامات نظامی اتخاذ شده است. در جنگ‌های خلیج فارس و عراق، پنتاگون نقشی مرکزی در طراحی و اجرای استراتژی‌های نظامی ایالات متحده ایفا کرده است. این عملیات‌ها با مشاوره‌های متعدد فرماندهان ارشد نظامی و همکاری نزدیک بین وزارت دفاع و کاخ سفید در زمینه سیاست خارجی ایالات متحده انجام شدند (Pilar, 2001, p. 70).

استراتژی‌های نظامی و دیپلماسی

یکی از نکات مهم در سیاست خارجی ایالات متحده، استفاده از «دیپلماسی نظامی» یا همان استفاده از نیروی نظامی به‌عنوان ابزار دیپلماسی است. این مفهوم که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم گسترش یافته، شامل استفاده از تهدیدات نظامی و یا اعمال فشارهای نظامی به‌عنوان راهبردهای دیپلماتیک می‌شود. ایالات متحده در بسیاری از مواقع از این استراتژی برای پیشبرد اهداف سیاسی خود در سطح جهانی استفاده کرده است. در این زمینه، وزارت دفاع ایالات متحده و فرماندهان ارشد نظامی همواره نقش مشاوران اصلی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های خارجی ایفا کرده‌اند. در واقع، یکی از ویژگی‌های مهم سیاست خارجی ایالات متحده، همکاری نزدیک مقامات سیاسی با نهادهای نظامی در زمینه تصمیمات کلیدی امنیتی و نظامی است.

سیاست‌گذاری‌های خارجی تأثیر می‌گذارند و اغلب در کنار مقامات سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند (Bisevich, 2008, p. 45).

حضور نظامیان در تصمیم‌گیری‌های کلیدی

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در راستای تحقق بخشی به سیاست‌های کلان این کشور که در سند استراتژی امنیت ملی آن ترسیم شده است می‌کوشد تا به حفظ و حراست از نفوذ و موقعیت بین‌المللی و نیز اطمینان از تأمین امنیت خود و شرکای راهبردی در برابر چالش‌های گوناگون تهدیدکننده از سوی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی مبادرت ورزد. برای تحقق این امور، ارتش آمریکا تا حد زیادی به ایفای نقش فعال و مؤثر در پیشبرد اهداف سیاست خارجی می‌پردازد. در این راستا وزارت دفاع آمریکا در کنار شیوه‌های رایج مرعوب‌کننده که عموماً از ارتش در میادین نبرد انتظار می‌رود، اقدام به افزایش همکاری‌های نظامی و انجام مأموریت‌های صلح‌آمیز نظیر امدادونجات، آموزش نیروها و یا عملیات ثبات‌سازی برای پیشگیری از تهدیدات یا کنترل آنها نموده است (Asemani, Kenari, 2021, p. 119). نقش نظامیان در سیاست خارجی ایالات متحده به‌ویژه از زمان جنگ سرد تاکنون بسیار برجسته بوده است. در این دوران، ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی، از ابزارهای نظامی خود برای حفظ منافع ملی و مقابله با تهدیدات مختلف جهانی استفاده کرده است. به‌ویژه در دوران جنگ سرد، نظامیان ایالات متحده در سیاست‌های بازدارندگی و استفاده از قدرت نظامی به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک در سطح جهانی، به‌شدت مؤثر بوده‌اند. این قدرت نظامی اغلب در کنار راهبردهای دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف ایالات متحده در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه در

نه تنها به عنوان یک نیروی نظامی برای تأمین امنیت داخلی کشور، بلکه به عنوان یک ابزار اساسی در استراتژی‌های جهانی این کشور در راستای پیشبرد اهداف سیاسی و امنیتی خود در سطح جهانی مطرح است. از جنگ‌های خلیج فارس گرفته تا جنگ‌های معاصر در افغانستان و عراق، نظامیان ایالات متحده همواره نقش محوری در شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی ایالات متحده و اجرای استراتژی‌های نظامی و دیپلماتیک ایفا کرده‌اند. (Pilar, 2001, p. 72).

مقایسه و تحلیل نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و آمریکا

در این بخش، تأثیرات و نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و ایالات متحده از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقایسه می‌تواند به درک بهتر از نحوه تأثیرگذاری نظامیان در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و تفاوت‌های ساختاری، تاریخی و استراتژیک میان دو کشور کمک کند.

ساختار حکومتی و تعامل نظامیان با سیاستمداران

ایالات متحده آمریکا دارای یک ساختار حکومتی دموکراتیک است که در آن رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح، نقش محوری در اتخاذ تصمیمات نظامی و سیاست خارجی ایفا می‌کند. با این حال، نقش نظامیان در سیاست‌گذاری‌ها در ایالات متحده به طور خاص در دوران‌های بحرانی برجسته‌تر است. در این کشور، وزارت دفاع (پنتاگون)، وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی ایالات متحده از نهادهای کلیدی هستند که نظرات نظامی در سیاست خارجی را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این ساختار، نظامیان به ویژه در تصمیم‌گیری‌های جنگی یا بحران‌های جهانی مانند جنگ‌های عراق و افغانستان تأثیر زیادی دارند

این همکاری‌ها اغلب در قالب شورای امنیت ملی و کمیته‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌های نظامی و امنیتی انجام می‌شود. مقامات نظامی ایالات متحده نقش مهمی در تحلیل تهدیدات جهانی، طراحی استراتژی‌های بازدارندگی و هدایت عملیات‌های نظامی ایفا کرده‌اند. (Gaddis, 2005, p. 132). افسران دیپلمات نظامی، به دلیل دامنه‌ی وسیع اقدامات دیپلماتیک نظامی ایالات متحده، نقش‌های متعدد و متنوعی در این عرصه مشغول به فعالیت‌اند. وابسته‌های نظامی، افسران منطقه‌ی خارجی و فرماندهان رزمی منطقه‌ای از جمله نقش‌های برجسته‌ی فعال در حوزه‌ی دیپلماسی نظامی هستند. (Asemani, 2021, p. 126)

تأثیر نظامیان در جنگ‌های معاصر

یکی دیگر از جنبه‌های تأثیر نظامیان بر سیاست خارجی آمریکا، حضور پررنگ آن‌ها در جنگ‌های معاصر، به ویژه در جنگ‌های عراق و افغانستان است. در این جنگ‌ها، به ویژه در سال‌های پس از حملات ۱۱ سپتامبر، نظامیان ایالات متحده نقش اصلی را در اجرای عملیات‌های نظامی بر عهده داشتند و تصمیمات کلیدی در زمینه جنگ‌ها و امنیت ملی توسط مقامات نظامی اتخاذ شد. تحلیل‌های فرماندهان ارشد نظامی و مشاوره‌های آنها به ویژه در زمینه استفاده از نیروی نظامی به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف امنیتی و سیاسی ایالات متحده بسیار برجسته بود. در این راستا، ایالات متحده به ویژه از نیروهای نظامی خود در قالب عملیات‌های مشترک با دیگر کشورهای متحد خود استفاده کرده است. این عملیات‌ها معمولاً با همکاری نهادهای دیپلماتیک ایالات متحده و دیگر کشورها به منظور تحقق اهداف مشترک سیاسی و امنیتی اجرا می‌شوند. به طور کلی، نقش نظامیان در سیاست خارجی ایالات متحده



تهدیدات هسته‌ای از طرف کشورهای دشمن، مبارزه با تروریسم بین‌المللی، و رقابت‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای دیگر به‌ویژه چین و روسیه می‌باشد. این تهدیدات موجب شده‌اند که ایالات متحده حضور نظامی گسترده‌ای در سرتاسر جهان داشته باشد و از نیروی نظامی به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت جهانی استفاده کند. حضور نظامیان آمریکایی در جنگ‌های جهانی و همچنین در بحران‌های منطقه‌ای مانند جنگ‌های خلیج فارس، عراق و افغانستان نمونه‌هایی از این نوع تهدیدات هستند که باعث شکل‌گیری استراتژی‌های نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده شده است. به‌ویژه در جنگ‌های اخیر، ایالات متحده با استفاده از نیروی نظامی و همچنین از طریق همکاری با ائتلاف‌های بین‌المللی، سعی در حفظ منافع خود و جلوگیری از گسترش نفوذ رقبا داشته است. (Pilar, 2001, p. 96).

در ایران، تهدیدات استراتژیک بیشتر از سوی کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده و رژیم‌های وابسته به آن مطرح می‌شود. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی حساس خود و همچنین تاریخ روابط خصمانه با برخی کشورهای غربی، همیشه در موقعیت تهدید و خطر قرار دارد. در این راستا، ایران به‌ویژه در قالب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج، تلاش کرده است تا با حضور در بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه و عراق، تهدیدات مستقیم علیه خود را کاهش دهد و همچنین از طریق استراتژی‌های دفاعی و منطقه‌ای، نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. ایران از طریق استراتژی‌های نظامی و غیرنظامی، تلاش می‌کند تا نفوذ خود را در کشورهایی مانند سوریه و عراق افزایش دهد. در واقع، تهدیدات امنیتی از سوی کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی باعث شده است که ایران به

و همواره با مشاوره‌های فنی و نظامی خود، مسیر سیاست خارجی ایالات متحده را شکل می‌دهند (Bisevic, 2008, p. 103). تصمیمات جنگی ایالات متحده در بسیاری از موارد پس از مشورت با مقامات نظامی و ارزیابی تهدیدات جهانی اتخاذ می‌شود. به‌ویژه در دوران جنگ سرد، استفاده از نیروی نظامی در سطح جهانی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات جهانی همچون اتحاد جماهیر شوروی سابق، در دستور کار قرار داشت (Gaddis, 2005, p. 200).

در ایران، ساختار حکومتی با توجه به نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه در زمینه سیاست خارجی و دفاعی متفاوت است. مقام معظم رهبری به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح، نقشی بسیار برجسته در تصمیمات کلان سیاسی و نظامی ایفا می‌کند. علاوه بر رهبری، نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش بسزایی در سیاست خارجی کشور دارند. سپاه پاسداران به‌ویژه در مناطق حساس و بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، عراق و یمن، تأثیر فراوانی در تصمیمات سیاسی و نظامی داشته است. سپاه با داشتن نیروهای نظامی و گروه‌های نیابتی، همچنان یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. در اینجا، نظامیان ایرانی در راستای منافع ملی و امنیت منطقه‌ای فعالیت می‌کنند و در بسیاری از موارد با پشتیبانی از گروه‌های مقاومت در کشورهای همسایه، نفوذ ایران را در خاورمیانه افزایش می‌دهند.

اهداف استراتژیک و تهدیدات

در ایالات متحده، اهداف استراتژیک بیشتر بر مبنای حفظ منافع ملی و توازن قدرت در سطح جهانی استوار است. تهدیدات استراتژیک ایالات متحده شامل

نقش نظامیان در سیاست خارجی ایالات متحده تأثیرات عمیقی بر سیاست داخلی و جهانی این کشور داشته است. در داخل، جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی به‌ویژه در دوران‌های بحرانی موجب افزایش قدرت و نفوذ نهادهای نظامی در ساختار حکومتی می‌شود. این تأثیرات داخلی همچنین به‌طور مستقیم بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده تأثیر می‌گذارد. در سطح جهانی، ایالات متحده از نیروی نظامی خود برای ایجاد توازن قدرت در سطح جهانی و تأمین امنیت بین‌المللی استفاده کرده است. (Pilar, 2001, p. 100).

در ایران، حضور نظامیان در سیاست خارجی بیشتر بر مسائل داخلی و منطقه‌ای تأثیرگذار است. این تأثیرات به‌ویژه در حوزه امنیت ملی و نفوذ ایران در کشورهای همسایه مشهود است. ایران از نقش نظامیان خود به‌ویژه در بحران‌های منطقه‌ای برای افزایش نفوذ خود در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بهره می‌برد. این استراتژی به‌ویژه در رابطه با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تأثیرات قابل توجهی داشته است.

نتایج و پیامدها

در این بخش، نتایج کلیدی و پیامدهای نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و ایالات متحده تحلیل می‌شود. این تحلیل به بررسی تأثیرات داخلی و بین‌المللی نقش نظامیان در سیاست خارجی هر دو کشور می‌پردازد. همچنین، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم این نقش‌ها بر سیاست‌های خارجی، امنیت جهانی، و روابط بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تأثیرات داخلی

نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و ایالات

سمت تقویت نقش نظامیان در سیاست خارجی خود حرکت کند. از نیروی نظامی به‌عنوان ابزاری برای تثبیت موقعیت خود در برابر تهدیدات خارجی استفاده کرده است. (Raouf, 2017, p. 247)

استراتژی‌های استفاده از نیروی نظامی

در ایالات متحده، نیروی نظامی عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف جهانی و برقراری نظم بین‌المللی به کار می‌رود. به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد، آمریکا از حضور نظامی در کشورهای مختلف به‌عنوان ابزار دیپلماتیک و برای مقابله با تهدیدات جهانی استفاده کرده است. در این راستا، ایالات متحده از استراتژی‌های نظامی پیشرفته مانند استفاده از قدرت هوایی، جنگ‌های سایبری و نیروی ویژه برای انجام عملیات‌های محدود در نقاط مختلف جهان بهره می‌برد. عملیات‌های نظامی ایالات متحده در خاورمیانه و شرق آسیا نمونه‌هایی از این استراتژی‌های پیچیده هستند که برای اعمال نفوذ و پیشبرد سیاست‌های آمریکا به کار گرفته می‌شوند. (Bisevich, 2008, p. 145).

در ایران، استفاده از نیروی نظامی بیشتر به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و دفاع از منافع ملی در برابر فشارهای خارجی است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج در این کشور به‌طور خاص در بحران‌های منطقه‌ای نظیر بحران سوریه و یمن فعال بوده‌اند و از طریق حمایت از گروه‌های نیابتی، نفوذ ایران را در منطقه تقویت کرده‌اند. در این راستا، ایران به‌ویژه از استراتژی‌هایی مانند جنگ نیابتی و تقویت گروه‌های مقاومت استفاده می‌کند که به‌طور غیرمستقیم به تأمین منافع سیاسی و امنیتی ایران کمک می‌کند.

تأثیرات داخلی و بین‌المللی



داده و موجب ایجاد روابط پیچیده با سایر قدرت‌ها شده است. این حضور نظامی نه تنها به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات جهانی، بلکه به عنوان عامل اصلی در تحقق منافع استراتژیک ایالات متحده در سطح جهانی شناخته می‌شود. (Gaddis, 2005, p. 210).

در ایران، نقش نظامیان در سیاست خارجی نیز پیامدهای قابل توجهی بر روابط بین‌المللی این کشور داشته است. ایران با استفاده از نیروی نظامی و حمایت از گروه‌های مقاومت در کشورهای منطقه‌ای، نفوذ خود را در خاورمیانه گسترش داده است. به‌ویژه در بحران‌های سوریه و یمن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش کلیدی در حمایت از رژیم‌های متحد ایران و مقابله با تهدیدات امنیتی ایالات متحده و کشورهای غربی ایفا کرده است. این استراتژی‌ها باعث ایجاد تنش‌های مستمر میان ایران و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای شده است.

۳. پیامدهای استراتژیک و امنیتی

پیامدهای استراتژیک و امنیتی نقش نظامیان در سیاست خارجی هر دو کشور عمدتاً به‌ویژه در بحران‌ها و جنگ‌های جهانی مشهود است. در ایالات متحده، حضور نظامی در سطح جهانی به عنوان ابزاری برای تثبیت قدرت ایالات متحده در برابر رقبا به کار گرفته شده است. این امر تأثیرات گسترده‌ای بر توازن قدرت جهانی و ایجاد ائتلاف‌های امنیتی با کشورهای مختلف دارد. علاوه بر این، تصمیمات نظامی ایالات متحده در دوره‌های مختلف موجب افزایش تنش‌ها با کشورهای خاص و کاهش همگرایی جهانی شده است. (Pilar, 2001, p. 101).

در ایران، استفاده از نیروی نظامی برای تقویت مواضع امنیتی و استراتژیک این کشور در خاورمیانه

متحده تأثیرات داخلی عمیقی بر سیاست‌های این کشورها داشته است. در ایالات متحده، نظامیان نقش کلیدی در شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی و دفاعی دارند و تأثیرات آن‌ها به‌ویژه در دوران بحران‌های نظامی و جنگ‌ها بیشتر مشهود است. برای مثال، جنگ‌های عراق و افغانستان موجب شده‌اند که ارتش آمریکا و نهادهای نظامی در تعیین اولویت‌های امنیتی و اقتصادی کشور دخالت بیشتری داشته باشند. این امر منجر به تقویت نقش پنتاگون در سیاست‌گذاری‌های داخلی شده است. (Bisevic, 2008, p. 153).

در ایران، تأثیرات داخلی نقش نظامیان بیشتر در سطح نهادهای تصمیم‌گیرنده در حاکمیت قابل مشاهده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی نفوذ گسترده‌ای دارند. حضور نظامیان در این سطوح باعث شده که سیاست‌های ایران به‌ویژه در زمینه‌های دفاعی و منطقه‌ای تحت تأثیر این نهادها قرار گیرد. از جمله پیامدهای داخلی این روند می‌توان به تقویت استراتژی‌های دفاعی ایران در مقابله با تهدیدات خارجی و افزایش قدرت ملی اشاره کرد.

۲. تأثیرات بین‌المللی

نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و ایالات متحده، علاوه بر تأثیرات داخلی، پیامدهای گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی نیز داشته است. در ایالات متحده، حضور نظامی این کشور در کشورهای مختلف به‌ویژه در خاورمیانه و آسیای مرکزی تأثیرات عمیقی بر روابط بین‌المللی داشته است. حضور نظامیان آمریکا در مناطق بحران‌زده مانند عراق، افغانستان و سوریه به‌طور مستقیم سیاست‌های ایالات متحده را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار

توجهی است که ناشی از ساختارهای حکمرانی، ایدئولوژی‌های حاکم، و جایگاه جهانی این دو کشور است. در ادامه این مقایسه از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. ساختار حکومتی و میزان نظارت بر نظامیان

■ شباهت: در هر دو کشور، نظامیان از ابزارهای کلیدی برای تحقق اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شوند. در هر دو سیستم، نقش نظامیان به سیاست‌های امنیتی و پیشبرد اهداف ملی مرتبط است.

■ تفاوت: در ایالات متحده، نظارت نهادهای مدنی مانند کنگره و رئیس‌جمهور بر نیروهای نظامی بسیار قوی است. ارتش به‌عنوان بخشی از ساختار سیاسی دموکراتیک، تحت کنترل نهادهای قانون‌گذار و اجرایی عمل می‌کند (Smith, 2019, p. 124). در مقابل، در ایران، نقش سپاه پاسداران و نیروهای نظامی نه تنها در بعد نظامی بلکه در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست خارجی نیز برجسته است و با ایدئولوژی جمهوری اسلامی پیوندی عمیق دارد.

۲. رویکرد به استفاده از ابزار نظامی در سیاست خارجی

■ شباهت: هر دو کشور از ابزار نظامی برای پیشبرد سیاست خارجی استفاده می‌کنند، اما روش‌های به‌کارگیری این ابزار متفاوت است.

■ تفاوت: ایالات متحده به‌عنوان یک قدرت هژمونیک جهانی، حضور نظامی گسترده‌ای در مناطق مختلف جهان دارد و از ابزار نظامی برای حفظ هژمونی خود استفاده می‌کند. این حضور در قالب پایگاه‌های نظامی،

و مبارزه با تهدیدات خارجی تأثیرات بلندمدتی داشته است. حضور ایران در سوریه و یمن به‌عنوان بخشی از استراتژی مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی، باعث افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها در منطقه خاورمیانه شده است. این استراتژی‌ها به‌ویژه در زمینه توازن قدرت در منطقه و مقابله با ائتلاف‌های بین‌المللی علیه ایران تأثیرگذار بوده‌اند.

۴. پیامدهای اقتصادی

نقش نظامیان در سیاست خارجی همچنین پیامدهای اقتصادی چشمگیری برای هر دو کشور داشته است. در ایالات متحده، هزینه‌های نظامی در دوران جنگ‌ها و بحران‌های جهانی به‌شدت افزایش یافته است. این امر باعث شده بخش عمده‌ای از منابع مالی ایالات متحده به بخش‌های نظامی و امنیتی اختصاص یابد. این موضوع بر بودجه‌های داخلی و اقتصادی ایالات متحده تأثیرات منفی داشته است (Bisevic, 2008, p. 159).

در ایران نیز، هزینه‌های نظامی ناشی از حضور در بحران‌های منطقه‌ای و تأمین امنیت ملی به‌طور گسترده‌ای بر اقتصاد کشور تأثیرگذار بوده است. به‌ویژه در شرایط تحریم‌های اقتصادی و بحران‌های داخلی، ایران مجبور به تخصیص منابع قابل‌توجهی به بخش نظامی و دفاعی خود شده است. این هزینه‌ها باعث شده که برخی بخش‌های اقتصادی کشور از جمله صنعت و خدمات تحت فشار قرار گیرند.

مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و آمریکا

بررسی نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و آمریکا نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل



۵. رویکرد به قدرت نرم و دیپلماسی نظامی

- شباهت: هر دو کشور تلاش کرده‌اند تا از ابزارهای قدرت نرم در کنار قدرت نظامی استفاده کنند.
- تفاوت: ایالات متحده از دیپلماسی نظامی برای جلب متحدان و گسترش نفوذ خود استفاده می‌کند، مانند ناتو و مشارکت‌های استراتژیک با کشورهایی در آسیا و اروپا (Nye, 2022, p. 96). ایران نیز با تأکید بر قدرت نرم انقلابی، از حمایت‌های ایدئولوژیک و مذهبی برای جذب گروه‌های منطقه‌ای و تقویت جایگاه خود بهره می‌گیرد.

۶. میزان انتقادات داخلی و بین‌المللی

- شباهت: هر دو کشور به دلیل نقش نظامیان در سیاست خارجی با انتقاداتی در سطح داخلی و بین‌المللی روبرو بوده‌اند.
- تفاوت: در ایالات متحده، این انتقادات عمدتاً بر هزینه‌های مالی و انسانی جنگ‌ها و مداخلات نظامی متمرکز است (Chomsky, 2021, p. 50). اما در ایران، برخی انتقادات داخلی به تأثیرگذاری نظامیان بر سیاست‌های کلان و اقتصاد معطوف بوده است.

مقایسه نقش نظامیان در ایران و ایالات متحده نشان می‌دهد که هرچند اهداف کلان مانند تأمین امنیت ملی و پیشبرد سیاست خارجی مشترک است، اما تفاوت‌های ساختاری، ایدئولوژیک و استراتژیک باعث شکل‌گیری رویکردهای متفاوت در هر دو کشور شده است. این مقایسه می‌تواند زمینه‌ساز فهم دقیق‌تر از تأثیر نظامیان بر سیاست خارجی و چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی هر کشور باشد.

ائتلاف‌های نظامی، و عملیات بین‌المللی نمود دارد (Brown, 2021, p. 45). در مقابل، ایران بر استفاده از نیروهای نیابتی، حمایت از گروه‌های مقاومت و تقویت حضور منطقه‌ای در خاورمیانه تمرکز دارد، که این رویکرد با توجه به شرایط اقتصادی و نظامی محدودتر کشور تعریف شده است.

۳. ایدئولوژی و مشروعیت اقدامات نظامی

- شباهت: در هر دو کشور، نظامیان تلاش می‌کنند اقدامات خود را با ایدئولوژی حاکم بر دولت توجیه کنند.
- تفاوت: در ایران، ایدئولوژی انقلاب اسلامی و اهدافی مانند حمایت از مظلومان و مقابله با استکبار جهانی به‌عنوان مبانی مشروعیت اقدامات نظامیان معرفی می‌شود (Zakiri, 2021, p. 23). اما در ایالات متحده، ایدئولوژی دموکراسی‌خواهی و تأمین امنیت جهانی به‌عنوان دلایل مداخله نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، هرچند این اقدامات گاه با انتقادات گسترده روبرو بوده است (Friedman, 2020, p. 78).

۴. ابعاد اقتصادی تأثیر نظامیان

- شباهت: در هر دو کشور، فعالیت‌های نظامیان تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد ملی دارد.
- تفاوت: در ایالات متحده، صنعت نظامی-صنعتی به‌عنوان یکی از پایه‌های اقتصاد عمل می‌کند و تأثیر مستقیمی بر اشتغال‌زایی و توسعه فناوری دارد. اما در ایران، بخش نظامی با وجود نقش مهم در تولید امنیت، گاه با انتقاداتی در مورد تأثیر بر اقتصاد غیرنظامی و محدود کردن بخش خصوصی مواجه بوده است.

نتیجه گیری

نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی، به ویژه در کشورهای تأثیرگذار و پرچالش مانند ایران و ایالات متحده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تطبیقی این دو کشور نشان می‌دهد که هرچند نظامیان در هر دو نظام به عنوان ابزارهای کلیدی برای پیشبرد اهداف ملی و امنیتی به کار گرفته می‌شوند، اما ساختار حکومتی، ایدئولوژی‌های حاکم، و جایگاه ژئوپلیتیک، تفاوت‌های معناداری در نقش آفرینی آن‌ها ایجاد کرده است.

در ایران، ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی نقش نظامیان، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، را به عنوان یکی از بازیگران اصلی سیاست خارجی تعریف کرده است. این نقش آفرینی عمدتاً در قالب تقویت حضور منطقه‌ای، حمایت از گروه‌های مقاومت، و مقابله با تهدیدات خارجی نمود پیدا کرده است. این در حالی است که ویژگی‌های منحصر به فرد سپاه، مانند پیوند ایدئولوژیک با اهداف کلان جمهوری اسلامی، باعث می‌شود که این نهاد نظامی نقشی چندبعدی داشته باشد؛ نقشی که از حوزه نظامی فراتر رفته و به ابعاد اقتصادی و سیاسی نیز گسترش یافته است. با این حال، این نقش آفرینی گاه با چالش‌هایی مانند محدودیت منابع، فشارهای بین‌المللی، و انتقادات داخلی مواجه بوده است.

در مقابل، ایالات متحده با برخورداری از ارتشی حرفه‌ای و پیشرفته، بر سیاست خارجی هژمونیک خود متمرکز است. ارتش آمریکا به عنوان ابزاری برای حفظ برتری جهانی، نه تنها در عملیات نظامی بلکه در دیپلماسی نظامی و ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی نیز نقشی پررنگ ایفا می‌کند. حضور گسترده نظامی

آمریکا در نقاط مختلف جهان و حمایت از متحدان استراتژیک، نشانه‌ای از جایگاه این کشور به عنوان قدرتی جهانی است. اما همزمان، هزینه‌های سنگین نظامی و انتقادات داخلی و بین‌المللی از جنگ‌ها و مداخلات خارجی، چالش‌هایی جدی برای این کشور ایجاد کرده است.

از منظر مقایسه‌ای، شباهت‌های مهمی میان دو کشور وجود دارد، از جمله تأثیرگذاری مستقیم نظامیان بر سیاست‌های کلان خارجی و بهره‌گیری از قدرت نظامی برای تأمین امنیت ملی. با این حال، تفاوت‌های بنیادی در ساختار حکومتی و ایدئولوژیک آن‌ها، الگوهای متفاوتی از حکمرانی نظامیان در سیاست خارجی ایجاد کرده است. در ایران، نظامیان بخشی از ساختار ایدئولوژیک حاکمیت هستند، در حالی که در آمریکا، نظارت مدنی و قوانین دموکراتیک، محدوده و چگونگی فعالیت نظامیان را تعیین می‌کند.

به طور کلی، بررسی نقش نظامیان در سیاست خارجی ایران و آمریکا نشان می‌دهد که نظامیان، فارغ از تفاوت‌های ساختاری، یکی از عوامل کلیدی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شوند. اما چگونگی تعامل آن‌ها با سایر نهادهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی می‌تواند به عنوان عاملی تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست این سیاست‌ها عمل کند. برای ایران، تداوم موفقیت در سیاست خارجی مستلزم هماهنگی بیشتر میان نظامیان و دستگاه دیپلماسی، کاهش وابستگی اقتصادی به منابع نظامی، و توجه به پیامدهای داخلی و بین‌المللی اقدامات نظامی است. در آمریکا نیز، بازنگری در سیاست‌های نظامی و مداخلات خارجی می‌تواند به تقویت جایگاه جهانی این کشور و کاهش انتقادات داخلی منجر شود.

این مطالعه تطبیقی نشان داد که درک عمیق‌تر



- تقویت آموزش و پژوهش در نهادهای نظامی با تأکید بر آموزش‌های مرتبط با دیپلماسی نظامی و حقوق بین‌الملل، می‌تواند از توان نهادهای نظامی برای پیشبرد سیاست خارجی به شیوه‌ای حرفه‌ای‌تر استفاده کرد.

- کاهش تنش با قدرت‌های جهانی از طریق دیپلماسی فعال

ایران می‌تواند از ظرفیت نظامیان در مذاکرات غیرمستقیم با قدرت‌های جهانی استفاده کند. این دیپلماسی فعال می‌تواند به کاهش فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی کمک کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منابع ندارد.

از نقش نظامیان در حکمرانی سیاست خارجی، مستلزم تحلیل چندبعدی و توجه به بافت سیاسی و تاریخی هر کشور است. پژوهش‌های آینده می‌توانند با تمرکز بر جنبه‌های کمتر بررسی شده، مانند تأثیر فناوری نظامی بر سیاست خارجی یا نقش نظامیان در سیاست‌گذاری عمومی، به تعمیق این حوزه کمک کنند.

پیشنهادات کاربردی برای ایران

- تقویت هماهنگی میان نهادهای نظامی و دستگاه دیپلماسی

برای موفقیت در سیاست خارجی، ضروری است که نقش‌آفرینی نظامیان در هماهنگی کامل با وزارت امور خارجه و سایر نهادهای دیپلماتیک انجام شود. ایجاد یک شورای مشترک نظامی-دیپلماتیک برای تصمیم‌گیری درباره مسائل سیاست خارجی می‌تواند به انسجام استراتژی‌ها کمک کند.

- افزایش تعامل با سازمان‌های بین‌المللی

نهادهای نظامی ایران می‌توانند با تقویت تعاملات خود با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان همکاری اسلامی، اعتمادسازی کنند. مشارکت در مأموریت‌های صلح‌بانی یا کمک‌های بشردوستانه می‌تواند وجهه بین‌المللی ایران را بهبود بخشد.

- تمرکز بر توسعه فناوری‌های دفاعی و سایبری

به‌جای گسترش حضور نظامی در منطقه، ایران می‌تواند بر توسعه توانمندی‌های دفاعی و سایبری خود تمرکز کند. این امر هم به کاهش هزینه‌ها کمک می‌کند و هم بازدارندگی مؤثری در برابر تهدیدات خارجی ایجاد می‌کند.



References

- Asemani Kenari, H. (2021). Military Diplomacy and the Foreign Policy of the United States. *Journal of Politics and International Relations*, 5(1), Serial No. 9. [In Persian] <https://doi.org/10.22080/jpir.2022.21712.1229>
- Bacevich, A. J. (2020). *America's War for the Greater Middle East*. New York: Random House.
- Baldwin, D. (2019). *Military Influence in American Politics*. Chicago: University of Chicago Press.
- Brown, C. (2018). *International Relations in a Changing World*. Oxford: Oxford University Press.
- Bruce, G. (2006). *Public Diplomacy and Strategic Communication: Cultures, Firewalls, and Imported Norms*, August 31. Available at: <http://www8.gorgetown.edu/cct/apsa/papers/geogorypdf>
- Chomsky, N. (2020). *Who Rules the World?*. New York: Metropolitan Books.
- Chubin, S. (2002). *The Persian Gulf: Security, Politics, and Order*. Negah Publications. Available at: <https://sid.ir/paper/453986/fa> [In Persian]
- Dami, M., Abdolkhani, L., Mohagheghnia, H., & Jalalpour, S. (2022). The Public Diplomacy of the Islamic Revolutionary Guard Corps and the Soft Power of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of Political Sociology*, 5(11), 1988–2007. [In Persian] <https://doi.org/10.30510/psi.2022.346194.3552>
- Esmacili, M., & Nouri, V. A. (2021). The United States' Policy toward Iran's Nuclear Program. *World Politics Quarterly*. [In Persian] <https://doi.org/10.22124/wp.2022.21807.2990>
- Feaver, P. D. (2018). *Guarding the Guardians: Civilian Control of Nuclear Weapons in the U.S.* Princeton: Princeton University Press.
- Friedman, G. (2019). *The Next 100 Years: A Forecast for the 21st Century*. New York: Doubleday.
- Fukuyama, F. (2019). *The Origins of Political Order*. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Gaddis, J. L. (2018). *The Cold War: A New History*. New York: Penguin Books.
- Kaidnejad, R., Pishgah Hadian, H., Bolandian, G., & Darvishpour, H. (2020). An Analysis of the Position of Regional Development in the Macro Policies of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies of Basij*, 23(88), 5–42. [In Persian]
- Mearsheimer, J. J. (2020). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W.W. Norton & Company.
- Mohseni Azhieh, A. S. (2021). An Examination of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Based on the Realist Approach. *Middle East Studies Quarterly*. [In Persian] DOI/Identifier: dor.20.1001.1.15601986.1400.28.3.6.9
- Nye, J. S. (2021). *The Future of Power*. New York: PublicAffairs.
- Pillar, P. R. (2018). *Terrorism and U.S. Foreign Policy*. Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
- Raouf, H. (2019). Iranian quest for regional hegemony: motivations, strategies and constraints. *Review of Economics and Political Science*, 4(3), 242–256. <https://doi.org/10.1108/REPS-02-2019-0017>
- Rezapour, D., & Majidi, A. (2021). Examining the Role of Military Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of World Islamic*



- Policy Studies, 8, Nos. 20–21. [In Persian] <https://doi.org/10.2783.4999/QJPR.2104.1167.04>
- Ricks, T. E. (2016). *The Generals: American Military Command from World War II to Today*. New York: Penguin Books.
- Seifinejad, A. (2024). Defense Diplomacy: A New Instrument of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Policy Quarterly*, 38(2), 37–62. [In Persian]
- Smith, B. C. (2019). *Good governance and development*. Houndsmills/New